

به نام خدا

الگوی تصمیم‌گیری نظامی در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا (۱۹۸۹-۲۰۱۳)

مولفان :

محمد یزدان پناه شورگل
حسین آدمی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: یزدان پناه شورگل، محمد، ۱۳۶۴-
عنوان و نام پدیدآور: الگوی تصمیم‌گیری نظامی در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا (۲۰۱۳-
۱۹۸۹)/ مولفان محمد یزدان پناه شورگل، حسین آدمی.
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۲۲۷ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۹۸۴-۸-۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه:ص:۲۱۱-۲۲۷.
موضوع: سیاست و جنگ -- ایالات متحده
Politics and war -- United States
موضوع: ایالات متحده -- سیاست نظامی -- ۱۹۸۹-۲۰۱۳ م.
United States -- Military policy -- ۱۹۸۹-۲۰۱۳
ایالات متحده -- روابط خارجی -- ۱۹۸۹-۲۰۱۳ م.
United States -- Foreign relations -- ۱۹۸۹-۲۰۱۳
شناسه افزوده: آدمی، حسین، ۱۳۷۰ -
رده بندی کنگره: UA۲۳
رده بندی دیویی: ۳۲۷/۷۳۰۰۹۰۵
شماره کتابشناسی ملی: ۹۶۴۹۸۸۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: الگوی تصمیم‌گیری نظامی در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا (۲۰۱۳-۱۹۸۹)

مولفان: محمد یزدان پناه شورگل - حسین آدمی

ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳

چاپ: زبرجد

قیمت: ۲۲۷۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۹۸۴-۸-۸

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



فهرست مطالب

۷	فصل اول : کلیات.....
۹	اهمیت موضوع.....
۱۱	فصل دوم : مبانی نظری.....
۱۲	رویکردهای تصمیم گیری در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی.....
۱۳	فرایند تصمیم گیری در سیاست خارجی.....
	نظریه شهودی چندوجهی به عنوان پیوندی میان مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست
۱۸	خارجی.....
۲۰	ماهیت نظریه شهودی چندوجهی.....
۲۴	مزیت های نظریه شهودی چندوجهی در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی.....
۲۵	ویژگی های نظریه شهودی چندوجهی.....
۲۵	الف) «جستجوی غیرکل نگر».....
۲۵	ب) «پردازش بعد محور».....
۲۶	ج) «راهبرد غیر جبرانی».....
۲۶	د) «قواعد تصمیم رضایت بخش».....
۲۷	ه) «جستجوی حساس به نظم».....
۲۷	کاربست الگوی شهودی چندوجهی در تصمیم گیری سیاست خارجی کشورها.....
۳۱	نظریه شهودی چند وجهی و تصمیم گیری نظامی در سیاست خارجی آمریکا.....
۳۲	جمع بندی:.....
۳۵	فصل سوم : پیشینه تاریخی مداخلات نظامی ایالات متحده آمریکا.....
۳۶	مداخلات اولیه:.....
۳۸	تمرکز بر سرزمین اصلی:.....

۳۹	پیدایش آموزه سد مهار:
۴۲	دوران تنش و رویارویی (۱۹۴۵-۱۹۵۷).....
۴۶	دوران تشدید مداخله جویی (۱۹۵۷-۱۹۷۳).....
۴۹	دوران تنش زدایی (۱۹۷۳-۱۹۸۰).....
۵۴	آموزه ریگان و مداخله گرایی جدید (۱۹۸۰-۱۹۸۹).....
۵۹	جمع بندی:.....

فصل چهارم : جنگ اول خلیج فارس: تهاجم نظامی به کویت (۱۹۹۰-۱۹۹۱)..... ۶۱

۶۲	نگاهی اجمالی بر بحران کویت.....
۶۷	متغیر فرد و تهاجم نظامی به کویت.....
۷۲	متغیر نقش و تهاجم نظامی به کویت.....
۷۵	منابع حکومتی و تهاجم نظامی به کویت.....
۷۶	موضع کنگره در عملیات طوفان صحرا.....
۷۹	موضع فرماندهان نظامی در عملیات طوفان صحرا.....
۸۴	منابع اجتماعی و تهاجم نظامی به کویت.....
۸۵	افکار عمومی آمریکا در عملیات طوفان صحرا.....
۸۶	منابع خارجی و تهاجم نظامی به کویت.....
۹۰	جمع بندی:.....

فصل پنجم : جنگ دوم خلیج فارس: تهاجم نظامی به عراق (۲۰۰۳-۲۰۱۱)..... ۹۵

۹۶	روابط آمریکا و عراق قبل از به قدرت رسیدن جرج بوش پسر.....
۱۰۱	متغیر فرد و تصمیم گیری جهت مداخله نظامی در عراق.....
۱۰۳	متغیر نقش و تصمیم گیری جهت مداخله نظامی در عراق.....
۱۰۸	منابع حکومتی و تصمیمگیری جهت مداخله نظامی در عراق.....
۱۱۰	منابع اجتماعی و تصمیمگیری جهت مداخله نظامی در عراق.....
۱۱۳	منابع خارجی و تصمیمگیری جهت مداخله نظامی در عراق.....
۱۱۴	ویژگی های فرآیند تصمیم گیری جهت اقدام نظامی علیه عراق.....
۱۱۶	الف) اقدام بر اساس سوء تعبیر و استنباطات نادرست.....

- ب) عدم توجه و استناد به تجربیات تاریخی آمریکا در مداخله به کشورهای دیگر
 ۱۱۷.....
- ج) خودمحوری و یکجانبهگرایی و ممانعت از همکاری سازمان ملل و دیگر نهادهای
 بینالملل در جنگ عراق..... ۱۱۸
- د) عدم برنامه ریزی مناسب برای اقدام به حمله نظامی و بی توجهی به مشکلات
 پس از جنگ..... ۱۱۸
- ه) شتابزدگی در تصمیم گیری جهت اقدام نظامی..... ۱۱۹
- جمع بندی:..... ۱۲۰

فصل ششم : جنگ لیبی: مداخله نظامی در شمال آفریقا (۲۰۱۱)..... ۱۲۷

- متغیر فرد و تصمیم گیری جهت مداخله نظامی در لیبی ۱۳۰
- متغیر نقش و تصمیم گیری جهت مداخله نظامی در لیبی ۱۳۲
- متغیر حکومت و تصمیم گیری جهت مداخله نظامی در لیبی ۱۳۴
- متغیر جامعه و تصمیم گیری جهت مداخله نظامی در لیبی ۱۳۵
- متغیر خارجی و تصمیم گیری جهت مداخله نظامی در لیبی ۱۳۷
- پیامدهای داخلی عملیات سقوط اودیسه برای ایالات متحده آمریکا..... ۱۴۰
- کاهش هزینه های نظامی در پرتو دکترین اوباما..... ۱۴۰
- تغییر در روابط نظامیان و غیرنظامیان..... ۱۴۲
- مدل لیبی به عنوان الگویی برای مداخلات آینده..... ۱۴۵
- جمع بندی:..... ۱۴۹

فصل هفتم : متغیرهای مؤثر بر الگوی تصمیم گیری نظامی آمریکا..... ۱۵۳

- متغیرهای مستقل در فرآیند تصمیم گیری نظامی آمریکا..... ۱۵۸
- عوامل فردی و ایدئولوژیک ۱۵۸
- عوامل ملی و داخلی ۱۶۰
- عوامل سیستمی و ساختاری..... ۱۶۳
- عوامل نظامی و راهبردی..... ۱۶۵
- متغیرهای میانجی مؤثر بر فرآیند تصمیم گیری نظامی آمریکا..... ۱۷۴

۱۷۴	سبک رهبری
۱۷۸	ضرورت راهبردی
۱۸۳	قیاس های تاریخی
۱۸۹	مشروعیت بین المللی
۱۹۱	حمایت داخلی
۱۹۶	جمع بندی:
۱۹۹	سخن آخر

۲۱۱	فهرست منابع و ماخذ
۲۱۱	الف) منابع فارسی
۲۱۵	ب) منابع لاتین

فصل اول

کلیات

سیاست خارجی قدرت های بزرگ در نظام آنارشیک بین‌المللی، به مقدار زیادی بر قدرت نظامی آنها استوار است. هر چند که به واسطه تحولات نوین جهانی که از آن به عنوان عصر جهانی شدن و وابستگی متقابل یاد می‌شود، مطلوبیت نیروی نظامی برای نیل به اهداف سیاسی کاهش یافته و بکارگیری آن از سوی کشورهای بزرگ پرهزینه‌تر از گذشته شده است؛ لکن استفاده از زور و اقدامات نظامی همچنان یکی از ابزارهای حیاتی در سیاست بین‌المللی به شمار می‌رود. در این میان، سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت جهانی، بیش از سایر کشورها به قدرت نظامی آن گره خورده است. نگاهی به تاریخ سیاست خارجی آمریکا نشان دهنده این واقعیت است که نیروی نظامی همواره جایگاه مهمی در فرآیند طراحی و اجرای سیاست خارجی این کشور داشته است و بسیاری از کشورهایی که مخالف سیاست های ایالات متحده بودند، هدف حمله نظامی این کشور قرار گرفته‌اند.

پایان جنگ سرد، نه تنها نقطه عطفی در روابط شرق - غرب بود، بلکه ماهیت مداخلات خارجی آمریکا را دگرگون ساخت. در دوران پس از جنگ سرد، واشنگتن دیگر مثل سابق از واکنش ابرقدرت رقیب خویش در مداخلات مستقیمش هراس نداشت. دوراقت، ماهیت رقابتی و خصمانه جنگ سرد موجب شده بود که هر نوع مداخله محدودی از طرف یکی از طرفین به یک جنگ تمام عیار هسته ای بیانجامد که استلزامات ویژه ای در سیاست

خارجی و مداخلات نظامی آمریکا به وجود آورده بود. لکن پاسخ تند قدرت‌های بزرگ به مداخلات این کشور در فردای جنگ سرد غیرمحمتمل می‌نمود. علاوه بر این، ایالات متحده همانند جنگ سرد دیگر مجبور نبود در برابر همه شورش‌ها و انقلاب‌های جهان سوم جبهه‌گیری کند، بلکه از آزادی عمل بیشتری برخوردار شده و می‌توانست به صورت گزینشی به مداخله‌جویی همت‌گمارد. از این رو، برخی از محققین، فقدان قدرت بزرگ رقیب در برابر آمریکا و مساعد بودن ساختار نظام بین‌المللی را مهمترین عامل وسوسه‌انگیز واشنگتن در مداخلات خارجی این کشور تلقی می‌کنند. اهمیت این مسأله بدین خاطر است که در آینده قابل پیش‌بینی هیچ‌یک از قدرت‌های بزرگ بین‌المللی توانایی یا تمایل لازم را به منظور موازنه‌سازی در برابر آمریکا نخواهند داشت. به عنایت به مداخلات نظامی ایالات متحده پس از جنگ سرد نظیر پاناما، عراق، سومالی، هائیتی، کوزوو، افغانستان، عراق... می‌توان گفت که پتانسیل مداخلات نظامی ایالات متحده به لحاظ ساختاری بالاست. ماهیت مداخلات آمریکا در برهه پس از جنگ سرد نیز، تفاوت‌های بنیادینی با مداخلات پیشین این کشور دارد. (Carpenter, 1992: 157-158)

از پایان جنگ سرد، ایالات متحده آمریکا، به مداخلات نظامی متعددی در نقاط مختلف جهان همت‌گمارده است. این مداخلات به لحاظ حجم و دامنه آن به سه گروه عمده مداخلات گسترده و وسیع (همچون عملیات آزادسازی عراق ۲۰۰۳)، مداخلات با مقیاس متوسط (نظیر عملیات آزادسازی کویت ۱۹۹۱) و مداخلات محدود (همچون عملیات سقوط اودیسه در لیبی ۲۰۱۱) قابل تقسیم هستند. از این رو، ما در پژوهش حاضر با مطالعه مهمترین مداخلات نظامی آمریکا، تلاش خواهیم کرد تا با بهره‌گیری از مدل تحلیلی جیمز روزنا، منابع داخلی و خارجی تصمیم‌گیری در مداخلات نظامی آمریکا را احصاء کرده و مهمترین عوامل موثر بر آنها را استخراج نماییم. تصمیم‌گیری جهت مداخله نظامی در ساختار سیاست خارجی آمریکا غالباً فرآیندی پیچیده و دشوار است، چراکه با راهبرد کلان ایالات متحده و دکترین‌های اعلامی از سوی روسای جمهور این کشور در ارتباط موثق قرار دارد. در واقع، هر یک از مداخلات نظامی آمریکا را باید در چارچوب راهبرد کلان سیاست خارجی این کشور در آن برهه زمانی خاص مورد مذاقه قرار داد. البته این

واقعیت به معنی عدم تشابهات و همسانی در میان مداخلات نظامی آمریکا نیست. از این رو، پژوهش حاضر، علاوه بر احراز عوامل موثر بر تصمیم‌گیری نظامی در ایالات متحده، به دنبال نیل به مدل جامعی از تصمیم‌گیری جهت اقدام نظامی در قلمرو سیاست خارجی آمریکاست. لذا، به صورت دقیق و موشکافانه به برخی از مهمترین مصادیق مداخلات نظامی آمریکا در دوران پس از جنگ سرد خواهیم پرداخت تا به گمانی زنی درباره نوع و ماهیت مداخلات آتی این کشور همت گماریم.

اهمیت موضوع

انجام تحقیق حاضر به لحاظ درک چگونگی طراحی و اجرای سیاست خارجی آمریکا ضروری است. ایالات متحده آمریکا با دارا بودن امکانات بالقوه و بالفعل فراوان و به عنوان ابرقدرت جهانی، بی شک می‌تواند بر مسائل امنیتی کشور ما تأثیر گذار باشد. حضور نظامی آمریکا در افغانستان و پاکستان و برخورداری از روابط نزدیک و دوستانه با بسیاری از همسایگان ج.ا.ایران، تهدیدی نظامی برای کشورمان محسوب شود. بنابراین، آگاهی از متغیرهای موثر بر شکل‌گیری سیاست خارجی آمریکا به طور اعم و اقدامات نظامی این کشور به طور اخص، می‌تواند برای برنامه‌ریزی بهتر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مقابل ایالات متحده، کمک و راهنمایی مناسب ارائه دهد. درواقع، این پژوهش، کاربردی است، زیرا یافته‌های آن می‌تواند مورد استفاده تصمیم‌گیرندگان کشورمان قرار گیرد. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران سال‌هاست که به علت اتخاذ سیاست‌های مستقل و ضد سلطه طلبانه در برابر آمریکا، از سوی مقامات مختلف این کشور به استفاده از ابزار نظامی تهدید می‌شود و بسیاری از این تهدیدات فشار روانی و مالی بر دستگاه‌های اجرایی و نظامی کشور وارد می‌سازد، پژوهش حاضر گامی در تشخیص میزان امکان‌پذیری و احتمال اجرایی شدن تهدیدات مزبور به شمار می‌رود.

های سیاست خارجی ابتدا مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرند و سپس اجرایی می‌شوند. این سنجش برحسب میزان تصور تهدید و خطری که برای آمریکا و متحدینش ایجاد

می‌کند، صورت می‌گیرد. به عنوان مثال، اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی عراق موجب گردید تا هم جرج بوش پدر و هم جرج بوش پسر در تصمیم خویش مبنی بر مداخله نظامی علیه این کشور مصمم باشند. در مورد لیبی نیز باید خاطر نشان کرد که ضرورت راهبردی این کشور برای آمریکا، ناشی از مجاورت و صادرات نفتش به متحدین آمریکا یعنی اروپاییان بود.

فصل دوم

مبانی نظری

بحران‌ها و جنگ‌های بین‌المللی بدون عنایت به فرآیند تصمیم‌گیری رهبران سیاسی قابل فهم نخواهند بود. لذا پی‌ریزی چارچوب نظری مناسب جهت فهم نظام مند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی دولت‌ها از جمله ایالات متحده آمریکا ضروری به نظر می‌رسد. نظریه‌ها و رویکردهای تئوریک مختلفی در ارتباط با نحوه تصمیم‌گیری در سیاست خارجی کشورها ارائه شده است؛ برخی از پژوهشگران همچون میلتون فریدمن بر این باور هستند که نظریه‌های مزبور بایستی بر اساس اعتبار پیش‌بینی‌هایشان مورد ارزیابی قرار گیرند اما در مقابل، عده‌ای دیگر نظیر هربرت سایمون بر اصل رضایت مندی تأکید کرده و آن را جراغ راهنمای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی کشورها می‌دانند. نظریه‌هایی که بر اعتبار نتایج تکیه می‌کنند غالباً با رویکرد «بازیگر عقلایی» در تصمیم‌گیری عجین هستند و نظریه‌هایی که بر اعتبار فرآیند متمرکز هستند، معمولاً با رویکرد «شناختی» مرتبط می‌باشند. هر یک از این رویکردهای نظری عمده دارای مزایا و نواقصی هستند که زمینه را برای ظهور نظریه‌های ترکیبی برای تجزیه و تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها فراهم کرده است که از مهمترین آن‌ها می‌توان به نظریه شهودی چندوجهی اشاره کرد.

از این رو، ما در این فصل، ابتدا مروری اجمالی به نظریه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی کشورها خواهیم داشت تا اهمیت نظریه شهودی چندوجهی به عنوان پیوندی میان مدل‌های مختلف تصمیم‌گیری برجسته شود. سپس با معرفی ماهیت، ویژگی‌های و کمکی